

۱۳۷

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

هم سنگ قرآن شدن

با

عاصی و گناهکار بودن؟!

۱۴ فروردین ۱۳۹۰
۹ جمادی الاول ۱۴۳۹

تکشیر این جزو ه

با رعایت محتوا ، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلها الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

قال الله تبارك وتعالى :

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ
تَطْهِيرًا﴾^(۱).

جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت علیهم السلام هر پلیدی را بزداید و شما را به شایستگی پاک گرداند.

چکیده سخن

در جلسات گذشته، پیرامون «آیه تطهیر» به تفصیل بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که مقام عصمت، مقامی مافوق درجه‌ی تقوا و عدالت است. همچنین شباهات مربوط به مقام عصمت را نقل نموده و پاسخ آنها را دادیم. در ادامه بحث درباره شباهات، به بیان شباهاتی، پیرامون «آیه تطهیر» و مقام امامت، از یک عالم و هابی پرداخته و پاسخ آن را با بیان مسائلی خواهیم داد. او می‌گوید:

در مورد مسئله‌ای امامت هر چه در قرآن جستجو کردم، کمتر اثری از آن یافتم. در مورد آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب همه می‌دانیم چیزی که به عنوان آیه‌ی تطهیر ابلاغ شده، جمله‌ی آخر این آیه و در ارتباط کامل با آیات قبل و بعد آن می‌باشد. علامه طباطبائی علیه السلام در تفسیرالمیزان روی عبارت «عنکم» زوم کرده و می‌گوید: چون همه‌ی فعل‌های قبلی، خطاب به جمع مؤنث می‌باشد، پس این فعل جمع مذکور نشان می‌دهد که خطاب آیه، زنان پیامبر صلی الله علیه و سلیمان نیستند و این جمله، جایش اینجا نیست و سیاق جمله عوض شده است و با حذف آن، آیه‌ی ۳۳ دگرگون نمی‌شود. من می‌گوییم: اولاً «اهل‌البیت» در ادبیات قرآن سه جا تکرار شده (سوره هود، آیه ۷۳؛ سوره قصص، آیه ۱۲؛ سوره احزاب، آیه ۳۳) و چون معنای اصلی آن همان اهالی خانه می‌باشد، در هر سه جا با فعل جمع مذکور بیان شده است.

دوماً: اگر واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلیمان به دستور خدا، محل قرارگیری آیات و جملات را در سوره و نیز ترتیب آنها را برای کتابان بیان می‌کرده و آن‌ها نیز آیه‌ها را در جایی که پیامبر صلی الله علیه و سلیمان می‌گفته قرار می‌دادند، پس دیگر چه صحبتی است که بگوییم این آیه یا این قسمت از آیه جایش اینجا نیست؟! و اگر هم این ترتیب آیات، از طرف خدا و پیغمبر ارشاد صلی الله علیه و سلیمان مشخص نشده و مثلاً عثمان با کمک چند تن از نوبستانگان وحی، قرآن را به این صورتی که به ما رسیده جمع آوری کرده‌اند که وای بر ما!

سوماً: اگر تطهیر را در این آیه حمل بر عصمت کنیم و فعل «یرید» را به

معنای اراده تکوینی بگیریم، پس چهارده معصوم از اول معصوم بوده‌اند ۱۳۷

و حتی در «عالی ذر» هم معلمان بشریت بوده‌اند و خداوند، جهان را به خاطر وجود نازنین ایشان خلق کرده است».

وی به کلام خود ادامه می‌دهد و شباهات دیگری را مطرح می‌کند.

بعد از بیان این شباهات پیرامون «آیه‌ی تطهیر» اولین اشکالی که به ذهن خطور می‌کند، این است که شبه کننده از «عنکم» تعبیر به فعل می‌کند، در حالیکه «عنکم» مرکب از دو کلمه «عن» و «کم» می‌باشد که حرف «عن» از حروف جازه و «کم» از جمله‌ی ضمایر است و ضمایر جزو اسماء هستند. پس «عنکم» فعل نیست. اگر طلبه‌ای فقط دو ماه در دروس مقدماتی حوزه‌ی حضور پیدا کند و فقط یک کتاب در علم نحو را خوانده باشد، خواهد فهمید «عنکم» فعل نیست. در اینجا سطح علمی این شخص، به خوبی آشکار می‌شود.

موارد استعمال کلمه‌ی اهل بیت ﷺ در قرآن

پس از طرح شبه، به بیان پاسخ اساسی آن می‌پردازیم. در کتاب خدا، واژه‌ی «أهل البيت» سه بار تکرار شده و در همه‌ی این موارد، معنای اصلی این واژه، که همان «أهل خانه» باشد، لحاظ شده است.

آن موارد عبارت‌انداز:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَالُوا أَتَعْجِبُنَّ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ﴾

گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است چرا که او ستد و والا است.

۱. ماجرای آیه‌ی اول به این صورت است که فرشتگان الهی، بعد از انجام مأموریت‌شان، مبني بر عذاب قوم لوط عليهم السلام به سبب اعمال ناشایست‌شان، خدمت حضرت ابراهیم عليه السلام رسیدند، تابه ایشان عليهم السلام بشارت بدنهند. حضرت ابراهیم عليه السلام، گوشت گاوی را برای مهمانان پخته و کباب کرد؛ اما فرستادگان خدا، دست به غذا نزد و نخوردند. حضرت ابراهیم عليه السلام تعجب کرد و از آنها ترسید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأُوجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً﴾^(۲).

ولی وقتی (حضرت ابراهیم عليه السلام) دید دستشان به آن غذا نمی‌رسد (واز آن نمی‌خورند، کار) آنها را زشت شمرد و درد احساس ترس نمود.

فرشتگان الهی، وقتی این حال را از حضرت ابراهیم عليه السلام مشاهده کردند، او را دلداری دادند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَالُوا لَا تَحْفُ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْ قَوْمٍ لُّوطٍ﴾^(۳).

به او گفتند: «نترس! ما به سوی قوم لوط عليهم السلام فرستاده شده‌ایم».

۱. همان. آیه ۷۳.

۲. سوره هود، آیه ۷۰.

۳. همان.

فرشتگان الهی، به حضرت ابراهیم ﷺ گفتند: ما فرستادگان از طرف خدا به ۱۳۷ سوی قوم لوط ﷺ هستیم و مأموریم تا خانه‌هایشان را بر سر آنها ویران کنیم و حال خدمت شمار سیدیم، تابه شما و همسرتان بشارت فرزندی بدھیم که ناماش «اسحاق ﷺ» است؛ فرزندی که در آینده، از پیامبران الهی خواهد شد و از نسل ایشان، حضرت یعقوب ﷺ و سایر انبیای الهی ﷺ به دنیا خواهند آمد. همسر حضرت ابراهیم ﷺ یعنی جناب ساره ﷺ، در آنجا ایستاده بود و بعد از شنیدن این گفتگو شادمان شد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَامْرُأْتُهُ فَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرَنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾^(۱).

و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خنده دید پس او را به اسحاق ﷺ، و بعد از او، به یعقوب ﷺ بشارت دادیم. حضرت ساره ﷺ در حالی که خیلی متعجب بود؛ گفت: من و همسرم بسیار پیر شده‌ایم و صاحب فرزند شدن در این سن، برای ما خیلی عجیب است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَاتُلْ يَا وَيْلَتَيْ أَلِيدُ وَأَنَّا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِيْ شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾^(۲).

گفت: ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالیکه پیرزنم و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!

اما فرشتگان ، در مقام پاسخ به تعجب حضرت ساره ﷺ گفتند : تو از رحمت خدا در تعجب هستی ؟ رحمت و برکات خدا بر اهل این خانه که شما هستید ، نازل می شود .

۲ . خداوند متعال می فرماید :

﴿وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمُرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَاتَتْ هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ
يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾^(۱)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد) و خواهرش (که بی تابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت : آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند ؟ !

قصه‌ی این آیه ، به این صورت است که قبل از تولد حضرت موسی ﷺ فرعون آگاه شده بود ، فرزند پسری به دنیا خواهد آمد ، که کاخ و تجملات او را سرنگون خواهد کرد . او به این مسئله ، واکنش نشان داد و دستور داد شکم زنان حامله را پاره کنند و فرزندان پسر را سر بریند . در این میان ، مادر حضرت موسی ﷺ در دوران حاملگی اش پنهان ماند و فرزندش را مخفیانه به دنیا آورد . در این هنگام ، از طرف خداوند وحی آمد که حضرت موسی ﷺ را میان جعبه یا تخته‌ای بگذارند و خداوند تضمین می کند تا او را به مادرش بازگرداند .

خداوند متعال می فرماید :

۱ . همان ، آیه ۱۲ .

﴿إِنَّ رَادُّهُ إِلَيْكُ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^(۱).

ما او را به تو (مادر حضرت موسی علیهم السلام) باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم.

مادر حضرت موسی علیهم السلام در حالی که بی‌تابی می‌کرد، امر پروردگارش را اطاعت کرد. جعبه‌ای که کودک در آن بود، در رودخانه از محل فرمانروایی فرعون عبور می‌کرد، آن را گرفتند و به کاخ فرعون آوردند. همسر فرعون، حضرت آسیه علیها السلام از کشنن نوزاد توسط فرعون جلوگیری کرد و او را برای نگهداری از حضرت موسی علیهم السلام، راضی نمود. برای تأمین غذای کودک زنان شیرده را فراخواندند اما، حضرت موسی علیهم السلام شیر هیچ کدام از آن زنان را قبول نمی‌کرد. هنگامی که خواهر حضرت موسی علیهم السلام، ماجرا را شنید، به آنها گفت: آیا من شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که متکفل نگهداری این کودک شوند و به خوبی از او پذیرایی کنند؟ چنان که روشن است، در آیه‌ی مذکور، مراد از «اهل‌البیت» مادر حضرت موسی علیهم السلام و حضرت عمران علیهم السلام پدر حضرت موسی علیهم السلام می‌باشد.

۳. آخرین آیه‌ای که در آن از واژه‌ی «اهل‌البیت» استفاده شده است، آیه‌ی مورد بحث؛ «آیه‌ی تطهیر» می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطْهِرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۲).

جز این نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت علیهم السلام، هر پلیدی را بزداید و شما را به شایستگی پاک گرداند.

۱. سوره قصص، آیه ۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

جهت اطلاع لازم است باطن همه‌ی اشکالات اهل سنت، در زمینه مقام عصمت روشن شود؛ تا فهمیده شود چرا حملات خود را به مقام عصمت حضرات معصومین علیهم السلام وارد می‌سازند. می‌گویند: شخصی شروع به حرف زدن نمود و بسیار مقدمه چینی کرد، تا این‌که مدت زیادی گذشت. به او گفتند: آن چیزی را که می‌خواهی آخر بگویی، اول بگو.

حرف آخر این عالم و هایی، این است که من در این زمینه (مقام عصمت)، نظرات شیعه را درست نمی‌دانم و با توجه به دلایلی که ارائه کردم، اعتقاد دارم انسان در مقام معصوم مطلق و با اراده‌ی تکوینی خدا، وجود خارجی ندارد. آخرین سخنی که اهل سنت در صدد بیان آن هستند، انکار عصمت رسول اکرم ﷺ می‌باشد؛ زیرا وقتی عصمت پیامبر ﷺ انکار شد و شخصیت ایشان ﷺ تنزل داده شد، می‌توان ایشان ﷺ را - العیاذ بالله - جایز الخطأ، گناهکار و اهل نسیان و فراموشی معرفی کرد. همچنین می‌توان حالت جن‌زدگی و خوردن شراب - نعوذ بالله - را به ایشان ﷺ نسبت داد. وقتی این عقاید و افکار به مسلمانان القاء شود، دیگر عیبی نخواهد بود که در مورد عمر بن خطاب و فرزندش نقل شود که آنها ایستاده بول می‌کردند^(۱).

یا در جای دیگر، زنی از پس پرده، عمر را نسبت به مسائل آگاه‌کند و بعد عمر بن خطاب بگوید:

«کلّ الناس أفقه من عمر حتّى ربات الحجال»^(۲).

۱. از منابع اهل سنت: ر. ک: سنن ترمذی، جلد ۱، صفحه ۱۸؛ الموطاً، جلد ۱، صفحه ۶۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳، پاورقی صفحه ۶۵۸؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱، صفحه ۱۸۲؛ تفسیر القرطبی، جلد ۵، صفحه ۹۹.

همه‌ی مردم از عمر به احکام دین آشنا ترند؛ حتی زنان پرده ۱۳۷

نشین.

دیگر ایرادی وارد نخواهد شد که ابویکر بگوید: شیطانی بر من مسلط است که همیشه مرا وسوسه می‌کند^(۱).

بر مبنای نظر علمای اهل سنت، اگر جا هل ترین و سنگدل ترین فرد بر مردم حاکم شد، باید احکام و قضاوت‌های شان را بپذیرند و سکوت اختیار کنند، زیرا آن فرد، آرای سقیفه را به دست آورده و حکومت اش مستند به اجماع صحابه است. نقطه‌ی پرگار و حساس در بحث عصمت، در این قسمت نهفته است که با نفی عصمت رسول خدا ﷺ، اشکالی متوجه خلفان خواهد گردید. بنابراین چاره جز تبیین و پاسخگویی به این شباهات باقی نمی‌ماند.

نظر شیعه در مورد معنای لغوی «اهل‌البیت» با نظر اهل سنت تفاوتی ندارد. از نظر لغت «اهل‌البیت» به معنای «اهل خانه»^(۲) می‌باشد و هیچ‌گاه شیعه ادعا نکرده از نظر لغت، منظور از «اهل‌البیت» عده‌ی خاصی هستند. اما قاعده‌ای وجود دارد که بعضی اوقات لغتی که معنای عام دارد، به وسیله‌ی قرینه‌هایی، بر معنای خاص حمل می‌شود. بزرگان تشیع قائل‌اند در «آیه‌ی تطهیر» هم قرینه‌های داخلی و هم قرینه‌های خارجی وجود دارد که منظور از «اهل‌البیت» حضرات معصومین ظل‌الله هستند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۳، صفحه ۴۹۸؛ از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۵، صفحه ۵۹۰؛ المعجم الأوسط، جلد ۸، صفحه ۲۶۷؛ تاریخ طبری، جلد ۲، صفحه ۴۶۰؛ شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، صفحه ۱۵۶.

۲. مفردات راغب، صفحه ۶۳.

الف - قرینه‌های داخلی معنای «اہل البیت»

در صدر «آیه‌ی تطهیر»، دستوراتی از طرف خداوند متعال صادر شده که همسران رسول الله ﷺ و مسلمانان، بر اساس تکلیف، باید به آن‌ها عمل کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُلْيُوتِكُنْ وَلَا تَبَرَّجْنَ ثَبَرْجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِيَنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱)

و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاہلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسول اش ﷺ را اطاعت کنید. جزاین نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت ﷺ، هر پلیدی را بزداید و شما را به شایستگی پاک گرداند.

بعد از اینکه خداوند، اطاعت خدا و رسول اش ﷺ را بر همگان واجب می‌کند، می‌فرماید: فقط این خانواده هستند که شایستگی اطاعت و فرمانبرداری دارند. این خانواده، یعنی رسول اکرم ﷺ و خاندان پاک ایشان ﷺ، کسانی هستند که طهارت دارند و طهارت و دوری از پلیدی، سبب وجوب اطاعت از ایشان ﷺ می‌شود و این تکلیف، بر دوش همه‌ی مسلمانان از جمله همسران پیامبر ﷺ می‌باشد. در نتیجه، قرینه‌ی داخلی این آیه‌ی شریف، نزد اهل تسنن که به انکار

عصمت پیامبر ﷺ تصريح کرده‌اند، طهارت؛ يعني کسی که به حمام می‌رود و ۱۳۷ پاکیزه می‌شود. نزد آنها «إذهاب رجس» به معنای ملکه‌ی تقوا و عدالت است. اما قبلًا به تفصیل بحث کردیم و دانستیم، اگر معنای «طهارت واذهاب رجس»، ملکه‌ی تقوا و عدالت و پاکیزگی جسم و قلب باشد، انحصار آن در اهل بیت ﷺ، معنا خواهد داشت. زیرا این‌ها، اموری‌اند که خداوند از تمام انسان‌ها خواسته است و تنها مخصوص به عده‌ی خاصی نمی‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾^(۱).

تقوای الهی پیشه کنید.

﴿أَعْدِلُوا﴾^(۲).

عدالت کنید.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُنْتَهِيرِينَ﴾^(۳).

خداوند توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

تحصیل تقوا و عدالت و توبه و طهارت در کلام خداوند، برای همه‌ی مردم، قابل

دسترسی است و خدا، هیچ‌گاه به چیزی که مقدور بندگان نباشد، فرمان نمی‌دهد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا يُكَفِّرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۴).

خداوند هیچ‌کس را، جز به اندازه‌ی توانایی اش، تکلیف نمی‌کند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۴.

۲. سوره مائده، آیه ۸.

۳. سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

بر اساس روایات نیز، آنچه که در دین مقدس اسلام، از انسان‌ها خواسته شده است، آسان و قابل دسترسی است. همانگونه که علمای علم اصول می‌گویند:

«الشريعة الإسلامية، سهلة وسمحة»^(۱).

قوانين اسلام آسان و روان است.

با در نظر گرفتن مطالب مذکور و با استناد به کلمه‌ی «إنما»، خداوند در «آیه‌ی تطهیر» می‌فرماید: فقط شما اهل خانه، دارای چنین ویژگی و خصوصیتی هستید و دیگران، هیچ‌گاه نمی‌توانند واجد چنین خصوصیتی شوند.

اهل سنت برای اینکه بگویند در این آیه، همسران پیامبر ﷺ نیز شامل مقام عصمت می‌شوند، چنین ادعامی‌کنند که مقام عصمت مانند ملکه‌ی تقواو عدالت، برای همه قابل دسترسی است و همه می‌توانند به این مقام دست پیدا کنند.

پاسخ آن است که اهل سنت، معنای عصمت و طهارت را به خوبی درک نکرده‌اند؛ زیرا بر اساس معنای حقیقی طهارت، انسان معصوم هرگز به دنبال گناه و ظلمت و انحراف چشمی، زبانی و قلبی نمی‌رود. حال اگر ادعای اهل سنت درست باشد، باید عموهای پیغمبر خاتم ﷺ و فرزندان آنها و دیگر بستگان ایشان ﷺ، دارای مقام عصمت باشند، در حالیکه هیچ راوی و مفسّری از مفسران و راویان عامه، نتوانسته‌اند ادعای کنند که عموهای پیامبر ﷺ و دیگر بستگان ایشان ﷺ، دارای ویژگی عصمت بوده‌اند. در هیچ موضعی از متون روایی، سراغ نداریم که یکی از همسران پیامبر ﷺ برای اثبات فضیلت خودش به

۱۴ ۱. مصباح الأصول، جلد ۲، صفحه ۹۸؛ منتقی الأصول، جلد ۴، صفحه ۳۴۶؛ بحار الأنوار، جلد ۸۲، پاورقی صفحه ۳.

این آیه، احتجاج کرده باشد. درست است که بعضی از همسران پیغمبر ﷺ مثل ۱۳۷

عايشه، برای خود فضیلت‌های جعلی می‌ساختند و منزلتی قائل می‌شدند، اما هیچ‌گاه نگفته‌اند که مانیز مشمول این آیه‌ی شریف هستیم.

چنان‌که قبلًا به تفصیل بیان کردیم، وقتی عايشه در مورد آیه‌ی تطهیر مورد پرسش قرار گرفت، گفت:

«إِنَّهَا نَزَلتْ فِي بَيْتِ أُخْتِي أُمّ سَلْمَةَ فَاسْأَلُوهَا عَنْهَا فَإِنَّهَا أَعْلَمُ بِهَا مَتَّيٌّ»^(۱).

آیه‌ی تطهیر در خانه‌ی خواهرم، ام سلمه ؓ، نازل شد، پس در مورد این آیه از او سؤال کنید که او در این زمینه از من آگاه‌تر است.

عايشه که در موارد متعددی برای خود جعل فضیلت می‌کرد، در مورد این آیه، حاضر نشد سخنی بگوید، در حالی که پیامبر اکرم ﷺ در خانه‌ی عايشه هم به تناسب این آیه رامی خواندند و بر پنج تن آل عبا ﷺ تطبیق می‌فرمودند^(۲). بنابراین، با توجه به تفسیری که ذیل «آیه‌ی تطهیر» بیان کردیم، همسران پیامبر ﷺ هم مانند دیگر مسلمانان موظف‌اند از اهل بیت رسول اکرم ﷺ اطاعت و پیروی کنند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا بسیاری از مفسران، تفسیری را که در

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۴۲۵؛ الفصول المختارة، صفحه ۵۴ (برای اطلاع در این

زمینه به جزوه شماره ۱۳۲ مراجعه کنید).

۲. برای اطلاع بیشتر به جزوه‌ی ۱۳۲ رجوع نمایید.

ذیل آیه‌ی شریف تطهیر بیان کرده‌ایم، ذکر نکرده‌اند؟ در پاسخ، به ضرب المثلی

در زبان عربی اشاره می‌کنیم:

«کم ترک الأول للآخر»^(۱).

چه بسیار مطالبی که گذشتگان، بیان آن را به آیندگان و اگذار نموده‌اند.

مطالب عدیده‌ای وجود داشته که گذشتگان، به آن دست نیافتند ولی آیندگان فهمیدند و بیان نمودند. به عنوان نمونه، فقه شیعه در زمان شیخ طوسی علیه السلام، فقه بسیطی بوده است، اما بعد از ایشان، با آمدن بزرگانی مثل شیخ انصاری علیه السلام، فقه تغییرات زیادی کرد و دریچه‌ای بر روی علم فقه باز شد. بعد از ایشان، فقهای عصر ما مثل مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تبارک و تعالیٰ علیه) که عنصر بزرگ و عظیمی بودند و حق بزرگی بر فقه شیعه دارند، به مطالب جدیدی پی برند و آن را عرضه کردند. در علم تفسیر نیز، همین مبنای وجود دارد. مرحوم طباطبایی علیه السلام نظرات جدیدی نسبت به مفسران گذشته داشتند؛ اما مطالبی هم بوده که به ذهن شریف‌شان نیامده و آیندگان از آن باخبر شده و بازگو می‌کنند.

بعد از دانستن این مطلب که همسران پیامبر صلوات الله علیہ و سلام به اجرای فرامین الهی، مبنی بر اطاعت خدا و رسول مکرم‌اش و اهل بیت مطهر علیهم السلام مأمورند، دیگر قول به تحریف و جابجایی قرآن بی معنا خواهد بود. همانطور که در شبه‌هی دوم عالم و هابی مطرح شد؛ آنها می‌گویند: مفسران شیعه مثل علامه طباطبایی علیه السلام در

آیه‌ی تطهیر، به ناچار قائل به تحریف شده‌اند^(۱). ما بر اساس مطالبی که بیان ۱۳۷ کردیم، منکر تحریف قرآنیم؛ به خصوص در «آیه‌ی تطهیر» که تبیین نمودیم این آیه در جای خودش قرار دارد و هیچ جابجایی ای صورت نگرفته است.

بعد از بیان قرینه‌های داخلیه در مورد مصادیق و معنای «اهل‌البیت»، به بیان قرینه‌های خارجی «آیه‌ی تطهیر» می‌پردازیم.

ب - قرینه‌های خارجی معنای «اهل‌البیت»

اگر از روایات بی‌شماری که درباره‌ی این موضوع وجود دارد و در جلسات قبل بیان شد^(۲) بگذریم، باید گفت که حتی در کتب مخالفین و اهل سنت، اهل‌البیت پیامبر ﷺ قرین و همسنگ قرآن قرار داده شده‌اند.

از جمله مواردی که چنین همنشینی و همراهی در آن دیده می‌شود، حدیث معروف «ثقلین» است.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«إِنِّي تارُكُ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَرْتَيِ أَهْلَ بَيْتِيِّ، وَإِنَّهُمَا لَن يُفْتَرِقُ حَتَّى يَرْدَأُ عَلَيْهِ الْحَوْضُ، مَا إِنْ تَمْسَكْتُمْ بِهِمَا لَن تَضَلُّوا»^(۳).

همانا من در میان شما دو چیز گرانبهای بر جای می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم که اهل‌بیتند و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا

۱. المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۲ (رجوع به جزو ۱۲۸).

۲. علاقه‌مندان می‌توانند برای یادآوری این روایات، به جزو ۱۲۸ مراجعه نمایند.

۳. بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۲۲۶؛ از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۴۸؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه ۱۲۲.

اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، تا زمانی که به این دو

تمسک کنید و چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهد شد.

این حدیث، به بیان‌ها و مضامین مختلفی در کتب مختلف بیان شده است که در این جلسه راجع به آن بحث می‌کنیم، تا پوچی و بطلان ادعای وهابی‌ها و خردگیری آنها بر شیعیان، روشن شود. خداوند متعال آنها را هدایت کند و اگر قابل هدایت نیستند، قدرت و مکنت‌شان را سلب فرماید تا بیش از این، باعث اغوا، فریب و گمراهی مسلمانان نگردد؛ و نیز کسانی را که زمینه‌ی تقویت آنها را فراهم می‌کنند، ریشه کن و نابود بفرماید، به خصوص ستمگران و ظالمانی که امروزه، با پول و ثروت خود، به جان شیعیان مخلص و کم‌نظیر بحرین افتاده‌اند و با جستجوی خانه به خانه، آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده و دست به کشتارشان می‌زنند.

حدیث ثقلین در کتب عامه و اهل سنت این گونه آمده است:

«إِنِّي تاركٌ فِيكُمُ الثقلَيْنِ مَا إِنْ تَمْسِكُتُمْ بِهِ لَنْ تَضْلُلُوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ، كِتَابُ اللَّهِ حِلْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاوَاتِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِيِّ، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيِّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا»^(۱).

من دو چیز در میان شما به جای می‌گذارم، تا زمانی که به این دو تمسک کنید، بعد از من، هرگز گمراه نخواهد شد، یکی از آن دو

۱. از منابع اهل سنت: مسنند احمد، جلد ۳، صفحه ۱۴؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۲۹؛
کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۱۷۲؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه ۱۲۳؛ تاریخ مدینه
دمشق، جلد ۵۴، صفحه ۹۲؛ مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۶۳.

بزرگ‌تر از دیگری است، کتاب خدا که ریسمانی کشیده از ۱۳۷

آسمان، به سوی زمین است و عترتم که اهل بیتم هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید در مورد این دو جانشین من، چگونه خواهید بود؟!

مرحوم علامه سید هاشم بحرانی رهنی که شیعیان بحرین توسط ایشان و دیگر علمای شیعه، تربیت شده و اکنون این‌گونه مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، کتاب‌های متعددی در تفسیر آیات و نقل روایات دارد. ایشان که احادیث و روایات اهل سنت و عامه در مورد اهل بیت علیهم السلام را جمع آوری نموده است، در مورد حدیث ثقلین، چنین می‌گوید: سی و نه حدیث در مورد تمسمک به ثقلین، از طریق عامه نقل شده است^(۱).

این حدیث در کتاب‌های اهل سنت از جمله؛ صحیح مسلم، مسند احمد، سنن ابی داود، سنن دارمی، سنن ابن ماجه، خصائص نسائی، مستدرک حاکم، حلیة الأولیاء و کنز العمال، وارد شده است که در این بین، مسانید سته‌ی اهل سنت نیز وجود دارد. از میان مفسران نیز، فخر رازی، ثعلبی و ابن‌کثیر، این حدیث را نقل کرده‌اند.

مرحوم بحرانی رهنی هم چنین در این زمینه، هشتاد و دو حدیث، از طریق شیعه نقل می‌کند^(۲).

محتوای «حدیث تقلین»

پس از روشن شدن گسترده‌گی نقل این حدیث شریف در میان اهل سنت و شیعیان، به توضیح متن آن می‌پردازیم. این حدیث شریف در صدد این است که بین قرآن و عترت ﷺ، قرآن و همسنگی وجود دارد؛ چراکه قرآن و عترت در این حدیث با عبارت تثنیه ذکر شده‌اند.

قرآن کریم به شهادت آیات آن، دارای اوصاف متعددی است؛ از جمله:

۱. هیچ‌گونه باطلی در قرآن راه ندارد.

خداآوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ﴾

﴿حَمِيدٌ﴾^(۱).

هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته‌ی ستایش، نازل شده است.

۲. قرآن، حق مطلق است.

خداآوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَرَى الدِّينُ أُوتُوا الْعِلْمُ الَّذِي أُنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي

إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^(۲).

۱. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۲. سوره سباء، آیه ۶.

کسانی که به ایشان علم داده شده، می‌دانند آنچه از سوی ۱۳۷

پروردگاریت بر تو نازل شده، حق است و به راه خداوند عزیز و
ح McBد هدایت می‌کند.

۳. قرآن، نور محض است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ﴾^(۱).

از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

۴. قرآن، از هرگونه شک و شباهه‌ای دور و مبزا است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾^(۲).

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد.

۵. قرآن، کتاب هدایت و رحمت است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ﴾^(۳).

مایه‌ی هدایت و رحمت برای نیکوکاران است.

بعد از اینکه روش‌گردید در قرآن هیچ‌گونه انحراف، زیغ، شک و شباهه، ظلمت و جهلی راه ندارد و تمام آن حق، نور، هدایت و رحمت است، این پرسش به ذهن

۱. سوره مائدہ، آیه ۱۵.

۲. سوره بقره، آیه ۲.

۳. سوره لقمان، آیه ۳.

می‌رسد که آیا امکان دارد در قرین و هم‌سنگ آن، یعنی حضرات اهل بیت علیهم السلام ذرّه‌ای ظلمت، جهالت و انحراف راه یابد؟

قطعاً چنین چیزی امکان ندارد و حضرات اهل بیت علیهم السلام تمام اوصاف و ویژگی‌های قرآن را دارا می‌باشند؛ چراکه اگر غیر از این بود، همراهی همیشگی قرآن و عترت علیهم السلام از بین می‌رفت و راهشان از یکدیگر جدا می‌گردید. از همین رو است که پیامبر گرامی اسلام علی‌الله‌وآله‌وپیغمبر علیهم السلام در توصیف وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام می‌فرمایند:

«علیٰ علیهم السلام مع القرآن والقرآن مع علیٰ علیهم السلام»^(۱).

علی علیهم السلام همراه قرآن است و قرآن همراه علی علیهم السلام است.

«علیٰ علیهم السلام مع الحق والحق مع علیٰ علیهم السلام»^(۲).

علی علیهم السلام با حق و حق با علی علیهم السلام است.

این دو حدیث شریف، بدین معنا هستند که نه قرآن، چیزی بر حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام اضافه دارد و نه ایشان علیهم السلام چیزی از قرآن کم دارند؛ نه حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام چیزی از حق کم دارند و نه حق چیزی است، غیر از ایشان علیهم السلام. حق همان علی علیهم السلام و علی علیهم السلام حق است. قرآن همان علی علیهم السلام و علی علیهم السلام همان قرآن است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۰، صفحه ۷۷؛ از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۲۴؛ کنز العمال، جلد ۱۱، صفحه ۶۰۳؛ مجمع الزواید، جلد ۹، صفحه ۱۳۴؛ فیض القدیر، جلد ۴، صفحه ۴۷۰.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۴۳۲؛ از منابع اهل سنت: تاریخ مدینة دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۴۹۹.

علاوه بر اینکه به تصریح «حدیث ثقلین»، قرآن و اهل بیت علیهم السلام از هم جدا نمی‌شوند، - حال آنکه اگر احتمال خطا، نسیان، اشتباه و یا گناه در اهل بیت علیهم السلام می‌بود، رسول الله صلی الله علیه و سلّم هرگز بر نفی افتراق و جدایی این دو از هم تأکید نمی‌فرمودند - همچنین این حدیث، بیان می‌کند که متمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام، گمراه نمی‌شود؛ یعنی تمسک به هر کدام از این دو، به صورت جداگانه، نمی‌تواند نجات بخش از ضلالت و گمراهی باشد؛ شاهد این مطلب هم افراد بی شماری هستند که مدعی تمسک به قرآن هستند، اما از هر گمراهی، گمراهترند. کسانی که در طول تاریخ، در سایه‌ی تمسک به قرآن، به بیت المال مسلمین تجاوز کرده و آن را چپاول نموده‌اند و خون مسلمانان را به ناحق ریخته‌اند. نمونه آن در عصر کنونی، قذافی است که مدعی تمسک به قرآن است و با نوشتن کتابی به نام «کتاب سبز» در صدد تحریف قرآن هم برآمده است.

او می‌گوید در آیاتی نظیر:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾^(۱).

بگو: ای کافران!

و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾^(۲).

بگو: خداوند یکتا و یگانه است.

که با فعل «قل» آغاز می‌شود و خداوند متعال با پیامبر شریعت صلی الله علیه و سلّم سخن می‌گوید، دیگر نیازی به آوردن فعل «قل» نیست ولذا در نماز می‌توان گفت: ﴿هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

۱. سوره کافرون، آیه ۱.

۲. سوره اخلاص، آیه ۱.

او این چنین فتوا می دهد و ادعای تمسک به قرآن هم دارد.

تمام مسلمانان در نمازهای پنج گانه‌ی خود، در طول شبانه روز، ده مرتبه از خداوند تبارک و تعالی می خواهند که آنها را به راه راست هدایت کند.
خداوند متعال می فرماید:

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطًا الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾^(۱).

ما را به راه راست هدایت کن * راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غصب کردی و نه گمراهان.

بر طبق این آیات، راه راست راه کسانی است که متنعم به نعمت‌های الهی هستند و خداوند متعال به آنها نعمت داده است و بپراهمه، راه کسانی است که خدا به آنها غصب کرده و گمراه گشته‌اند.

بر طبق «حدیث شریف ثقلین»، کسی که به قرآن و عترت ﷺ همراه با هم تمسک نکند، اگر چه به یکی از این دو چنگ آویخته است؛ عاقبت او گمراهی است. به همین جهت است که مسلمانان باید همواره بر این دعا که حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند، مداومت داشته باشند.

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ.
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ.

۱۳۷ **اللّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَّتْ عَنْ دِينِي»^(۱).**

خدایا! خودت را به من بشناسان، چرا که اگر خودت را به من نشناسانی، نخواهم توانست پیامبرت ﷺ را بشناسم. خدایا! پیامبرت ﷺ را به من بشناسان، چرا که اگر پیامبرت ﷺ را به من نشناسانی، نخواهم توانست حجّات را بشناسم. خدایا! حجّات علی‌الله‌علیه‌السلام را به من بشناسان، چرا که اگر حجّات علی‌الله‌علیه‌السلام را به من نشناسانی، از دینم بپرون خواهم شد.

بنابراین، بهره بردن از قرآن و اهل بیت علی‌الله‌علیه‌السلام در کنار هم، می‌تواند سعادت و هدایت را به ارمغان بیاورد و گرنه، نماز و وضوی بدون ولایت و محبت اهل بیت علی‌الله‌علیه‌السلام، نتیجه‌ای جز ضلالت و گمراهی به همراه نخواهد داشت و لذا شیاطین با کفار و مسلمانان بی‌بهره از امر ولایت کاری ندارند و تمام تلاش شان را در گمراه کردن شیعیان و محبان عترت رسول خدا علی‌الله‌علیه‌السلام به کار می‌گیرند؛ زیرا با اقتدا و تمسک به ایشان علی‌الله‌علیه‌السلام می‌توان از انحراف و لغزش نجات پیدا کرد.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«ذکر علی علی‌الله‌علیه‌السلام عباده»^(۲).

یاد علی علی‌الله‌علیه‌السلام عبادت است.

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۳۳۷؛ خاتمة المستدرک، جلد ۴، صفحه ۶۱.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۸، صفحه ۱۹۹؛ از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، ۲۵ صفحه ۳۵۶.

عبدت بودن یاد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این جهت است که با شناختن حجت الهی می‌توان راه را ز بیراهه شناخت و به هدایت رسید. نکته‌ی مهمی که در اینجا باید مذکور شد، این است که اهل سنت قدرت نفی و انکار ویزگی‌ها و اوصافی که برای قرآن کریم ذکر کردیم را ندارند و از آنجاکه اهل بیت علیهم السلام هم سنگ قرآن هستند، باید ایشان علیهم السلام را هم دارای این اوصاف بدانند و اگر قائل به این مطلب نباشند، باید خطا و اشتباه را حتی برای شخص رسول الله علیه السلام در امر تبلیغ دین جایز بدانند و حال آنکه معتقداند امت اسلامی اجماع دارد بر اینکه پیامبر علیه السلام در تبلیغ دین معصوم است^(۱).

اگر چه بزرگان عامه، همین اندازه را هم قبول ندارند و عوام خود را در جهالت نگاه داشته‌اند.

رسول الله علیه السلام حدیث ثقلین را در مقام تبلیغ دین فرمودند و اگر تفریق و جدایی بین قرآن و اهل بیت علیهم السلام جایز باشد، بدین معنا خواهد بود که ایشان علیهم السلام نآگاهانه، مردم را به پیروی از اهل بیت علیهم السلام دعوت نموده‌اند.

پس از بیان مطالب مربوط به سند و محتوای «حدیث ثقلین»، ارتباط این حدیث را با شعاری که در اواخر عمر شریف حضرت رسول اکرم علیه السلام مطرح شد و التزام به آن استمرار یافت، بررسی می‌کنیم.

این شعار چنین بود:

«حسبنا کتاب الله»^(۲).

قرآن ما را کفایت می‌کند.

۱. از منابع اهل سنت: شرح المواقف، جلد ۸، صفحه ۲۶۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۲، صفحه ۴۷۳؛ از منابع اهل سنت: مسند أحمد، جلد ۱، صفحه ۳۲۵؛ صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۱۳۸؛ صحیح مسلم، جلد ۵، صفحه ۷۶.

رسول خدا ﷺ در لحظات آخر عمر شریف شان فرمودند:

«ایتونی بکتٰ، اکتب لكم کتاباً لاتضلوا بعدي ولا تختلفوا
بعدي»^(۱).

برای من کاغذی بیاورید، می خواهم برای شما مطلبی بنویسم که بعد از من گمراه نشوید و اختلاف نکنید.

رسول الله ﷺ در هر دو مقام، یعنی هم در حدیث ثقلین و هم در سخن شان در لحظات پایان عمر، می خواهند از گمراهی و اختلاف امت خود، بعد از ارتحال شان جلوگیری نمایند. ولی عدهای با سر دادن شعار پوشالی مذکور و برای رسیدن به قدرت و دنیای خود، از این امر جلوگیری کردند. به تصریح قرآن کریم مخالفت بار رسول خدا ﷺ، جهنم و عذاب الهی را در پی دارد.

خداآوند متعال می فرماید:

﴿وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعُ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُولِهِ مَا نَوَّلَ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾^(۲).

کسی که بعد از آشکارشدن حق، با پیامبر ﷺ مخالفت کند، واز راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بیریم؛ و سرانجام بدی است.

جهنم، جایگاه کفار، ملحدان، منکران الوهیت، رسالت و امامت است؛

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۲، صفحه ۴۹۸؛ از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴، صفحه

۲۷ ۶۶؛ مجمع الزوائد، جلد ۴، صفحه ۲۱۵.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۵.

بنابراین، معلوم می‌شود کسانی که شعار کافی بودن تمسک به قرآن را سر دادند،

قطعاً جزو کفار هستند.

لزوم برگزاری هر چه پرشورتر عزاداری حضرت صدیقه‌ی کبری ﷺ
 ایامی که در پیش رو است، ایام شهادت حضرت فاطمه‌ی زهراء ﷺ است. ان
 شاء الله، خداوند متعال به همه ما توفیق بدهد تابتوانیم حق مظلومیت دختر
 پیامبر اسلام ﷺ را در گفتار و کردارمان اداماییم.

از همه‌ی همشهريان محترم و مخصوصاً عزيزان هيئتي انتظار می‌رود، اين ایام
 را همانند ایام محروم و صفر بدانند و با نصب پرچم و پرده‌های سیاه، فضای شهر را
 تغيير بدهند و نشان بدهند که ما موالی اهل بيت ﷺ و متبری از اعداء و دشمنان
 ايشان ﷺ هستیم.

سنگ بنای ظلم به خاندان رسالت از کشنن دختر رسول خدا ﷺ آغاز شد و
 باید توجه داشت که اگر عزاداری آن حضرت ﷺ و یا عزاداری حضرت امام
 حسین ﷺ از سوی شيعيان مورد غفلت و اهمال قرار بگیرد، به تدریج واقعیت‌های
 تاریخ و ظلم و ستمی که به عترت رسول الله ﷺ وارد گردید، به فراموشی سپرده
 خواهد شد؛ چنانچه امروز، عده‌ای شهادت حضرت صدیقه‌ی کبری ﷺ را انکار
 کرده و متسافنه در میان شيعيان هم رواج می‌دهند و از همه تأسف‌بارتر اينکه
 بعضی از خواص جامعه نیز، مبتلا به اين خرافه‌ها و باطيل شده‌اند.

همه‌ی ما باید از خدا بخواهیم که عاقبت امر ما را ختم به خیر بگرداند، چراکه

گاهی آرزوی داشتن قدرت، ثروت و یا شهرت، انسان را به قعر جهنم می‌برد. از خدا

بخواهیم اگر قرار شد ارتباط ما با او یا با حضرات اهل بیت علیهم السلام دچار تزلزل شود، ۱۳۷ همان لحظه را لحظه‌ی آخر عمر ما قرار بدهد که دچار سوء عاقبت نشویم.
بنابراین، طلاب، دانشجویان، بازاری‌ها و همه‌ی اقشار، با پوشیدن لباس سیاه و
نصب پرچم‌های سیاه بر سر در مغازه‌ها و منازل، از باب تقرّب به ساحت مقدس
حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و به خاطر خشنودی پدر بزرگوارشان رسول الله ﷺ،
در تعظیم و بزرگداشت عزاداری آن حضرت علیها السلام بکوشند.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

خودآزمایی

- واژه‌ی «اهل بیت» چند بار در قرآن کریم تکرار شده است؟ آن موارد کدام‌اند؟ ①
- چرا وهابیون در صدد نفی و انکار عصمت رسول الله ﷺ هستند؟ ②
- قرینه‌های داخلی آیه‌ی تطهیر که «اهل بیت» را منحصر در حضرات موصومین علیهم السلام می‌کنند کدام‌اند؟ ③
- اهل سنت، برای دخول همسران پیامبر ﷺ در آیه‌ی تطهیر، چه تصریفی در این آیه کردند؟ ④
- آیا در «آیه‌ی تطهیر»، تحریف و جابجا‌بی صورت گرفته است؟ چرا؟ ⑤
- بکی از قرینه‌های خارجی «آیه‌ی تطهیر» که دال بر انحصار «اهل بیت» در حضرات موصومین علیهم السلام کدام است؟ ⑥
- حدیث ثقلین از طریق خاصه و عامه، به چند طریق وارد شده است؟ ⑦
- از محتوای حدیث ثقلین، چه نتایجی به دست می‌آید؟ ⑧

اگر از روایات بی شماری که درباره این موضوع وجود دارد و در جلسات قبل بیان شد بگذریم، باید گفت که حتی در کتب مخالفین و اهل سنت، اهل بیت پیامبر ﷺ قرین و همسنگ قرآن قرارداده شده اند.

از جمله مواردی که چنین همسنینی و همراهی در آن دیده می شود، حدیث معروف «ثقلين» است. رسول گرامی اسلام ﷺ می فرمایند: «إِنَّ تَارِكَ فِيمَ الثَّقَلَيْنِ كَتَبَ اللَّهُ وَعَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِيِّ، وَإِنَّهُمَ الْمَالُ يَسْفِرُونَ» حتی برداعلى الحوض، ماین تمسکتم بهمalan تضلوا». همانا من در میان شما و چیزگران انبهای بر جای می گذارم، کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند و این دوازهم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، تازمانی که به این دو تمسک کنید و چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهد شد.

(صفحه ۱۷ از همین جزو)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

- ابتدای خیابان امام، جنب قائمه، فروشگاه آواتی مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۰۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یاد و سtanatan را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی ره

تلفن: ۴۴۴۹۹۳۳-۴۴۴۴۵۲۷۷

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir